

	چهارشنبه • ۲ مرداد ۱۳۹۲ • سال دهم • شماره ۱۷۹۰ • ۷	
	روزنامه	
	هنر	
	روایت «ناصر تقوایی» از پنج دهه عکاسی	صفحه ۸
	روبه‌رو شدن در تاریکی، گفت‌وگو با رضا حداد	صفحه ۹
	روزنامه	صفحه ۱۰

	پیشخوان قهوه‌ای	
	تحقق استانداردها در «حراج تهران»	
	«حراج تهران» را باید انفساق مبارکی در تاریخ هنر کشور دانست و به کسانی که برای برپایی آن قدم برداشتند، دست مرزباد گفت.	علی شیرازی
	تیم سیاست‌گذاری و اجرایی «حراج تهران» فقط یک مارکت فروش موفق برپا نکرده‌اند، بلکه آنها زیرساخت‌های تئوریک اقتصاد هنر ایران را که در این سال‌ها شاع دلگرم‌کننده‌اش احساس می‌شد را سالم‌انده‌ی و هدایت کردند. معتقدم «حراج تهران» که به لطف حضور چهره‌های آکادمیک و آگاه به بازار هنر بین‌الملل، طراحی و اجرا شد و به شهادت حضاران در حراج تمام استانداردهای حراجی‌های معتبر اروپا و آمریکا را به بهترین نحو لحاظ کرد، متر و معیاری ماندگار برای این رویداد ملی به یادگار گذاشت که می‌تواند خ‌لا سال‌ها غفلت از پدیدآوردن یک مارکت هنری در کشور را پر کند. در این حراج آثار چهارنسل هنرمندان ایران عرضه شد. قیمت آثار پیشکش‌وسوان (نسل هنرمندان پیشرو دهه ۱۳۴۰ شمسی) به نوعی آبروی حراج به‌شمار می‌رفت و با فروش فوق‌العاده‌ای که داشتند رکورددار این حراج بودند، از طرفی آثار نسل میانی و جوان‌ترها هم با	
		
	قیمت‌های قابل‌قبولی فروش رفت که این نشانه‌ای بر موفقیت دومین حراج تهران است.	
	اگر به عقب بازگردیم، می‌بینیم که برپایی چنین حراجی‌هایی هرگز در کشورمان اتفاق نیفتاده و حتی تصور آن هم نبوده که اینچنین رویدادی رخ دهد، اما امروز شاهد چنین فرصت‌هایی هستیم که بیشتر از همه شامل حال نسل میانی و جوانان هنرمند می‌شود، حتی آنها که به هیچ حراجی‌ای راه نمی‌یابند، توفیق حراج‌های تهران و نیز موفقیت در حراج‌های بین‌المللی گستره‌ای وسیع پدید می‌آورد که همه اقشار جامعه تجسمی از گالری‌ها گرفته تا هنرمندان در شهرستان‌های دوردست نیز از این رونق ثمره می‌برند. در ضمن هرگاه آثار هنرمندان با استقبال بیشتری از سوی مردم مواجه شود میزان خلاقیت هنرمند نیز افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان گفت امروزه یک هنرمند به‌راحتی و با افتخار می‌تواند با فروش آثارش زندگی‌اش را اداره کند.	
	از نظر من بازار داخلی هنر بسیار اهمیت دارد زیرا هم گستردگی و پتانسیل خوبی دارد که می‌تواند از هنرمندانش آثار بخرد و هم باعث تشویق هنرمند می‌شود تا با فروش آثارش مطالعه بیشتر و تجربه‌های جدید به دست آورد و آثار بهتری رایبه دهد. از طرفی برگزاری حراج تهران تا اندازه‌ای توانست به مشکلاتی که بالا رفتن اثر در فروش آثار هنرمندان به وجود آورده بود کمک و این فاصله را تا حدی ترمیم کند. اینک شاهدیم که قیمت‌بین‌المللی برخی از هنرمندان صاحب‌مارکت ایران در بازار داخلی و بین‌المللی به همسانی معناداری نایل آمده‌اند.	
	هنگامی که دکتر علیرضا سمیع‌آذر در موزه هنرهای معاصر و مرکز هنرهای تجسمی فعالیت می‌کرد، هنر کشور را به‌دستی معرفی کرد پس از آن نیز همکاری‌شان با حراجی‌های بین‌المللی باعث شد با معرفی درست و علمی هنر ایران، رونقی در هنر کشور به وجود آید، در این دو سال نیز با برپایی موفق «حراج تهران» توانست همه گالری‌دارها، مجموعه‌داران و هنرمندان را به وجد آورد. به گمانم در سایه این مدیریت هوشمندانه که اتفاقا تکثر گراست و از تجربه‌های خردوکلان بخش خصوصی بهره اکمل می‌برد هنرهای تجسمی ایران به بلوغی تاریخی دست یافته‌آن‌سان که هنرمندان بزرگ بینارشته‌ای ایران که در هنرهای مثل سینما در دنیا زبانزد هستند نیز اعتراف می‌کنند تجسمی کشورمان بین‌المللی‌ترین هنر روزگار ایران اکنون است و به واقع توفیق «حراج تهران» یک و دو مهر تاییدی بر این موقعیت تاریخی است.	
	من در تابلو نقاشی-خط«وصل و هجران» که مالیه‌اد ۲۰۰×۲۰۰سانتیمتر در دومین «حراج تهران» ارایه شد، از رنگ قرمز و مشکی بهره گرفتم، خطوط در این کار، دایره‌ای را تشکیل داده‌اند که می‌توان از دو دریچه به آن نگریست، یکی دایره‌ای که از هم گسسته می‌شود و دیگری دو نیم دایره‌ای که در حال وصل شدن به هم هستند. عنوان اثر «وصل و هجران» نیز بر همین اساس انتخاب شده که مخاطب می‌تواند از زاویه‌ای که دوست دارد به آن بنگرد. این اثر ۷۵میلیون تومان در دومین حراج تهران» به فروش رسید.	
	«هنرمند عرصه نقاشی خط	



عکس‌ها: امیر چرچیزی/شرق

منافع خاص عده‌ای خاص مخوش شود. اما به هر حال چنین چیزی نه در این اینجا بلکه در هر حراج دیگری میسر است و نه می‌توان آن را ثابت و نه رد کرد. به نظر من در این لحظه بهتر است که هنر را یک کالای اقتصادی بدانیم و نه یک مقوله فرهنگی. رفتارهایی را که ممکن است برای افزایش بهای یک کالای اقتصادی صورت بگیرد، وارد مقوله بررسی‌های هنری نکنیم.

ک به نکته مهمی اشاره کردید. طبیعتاً حراج از قانون مارکت آثار هنری تبعیت می‌کند و مارکت، قوانین خاصی برای خودش دارد. اما می‌خواهم بپرسم شما در حراج تهران تا چه حد تابع این قوانین بین‌المللی هستید؟ از منظر چیدمان و شکل برگزاری، مشخص بود که به استانداردهای بین‌المللی نزدیک شده‌اید؛ اما چقدر تلاش کردید به مولفه‌های بین‌المللی مارکت هنر نزدیک شوید؟

ما سعی کردیم هم به لحاظ شکلی و هم محتوایی در تمامی مراحل برگزاری حراج از فرمت بین‌المللی موجود و به طور مشخص الگوی عمل کریستیز استفاده کنیم.

ک چرا کریستیز؟

اول به خاطر اینکه معتبرترین خانه حراج دنیاست، دوم اینکه در حراج ایران و کل منطقه قوی‌ترین حضور را دارد. سوم به خاطر همکاری پنده با آن حراج ما از نزدیک با مراحل مختلف برگزاری یک حراج از مرحله انتخاب آثار تا معرفی و بعد به فروش رساندن و مطالبه پول و تسویه حساب نهایی کار با روند سیستماتیک حراج کریستیز آشنا هستیم و می‌توانیم طبق همان فرمول کار کنیم. این را هم بگویم که اصولاً روش عمل حراج کریستیز با دیگر حراج‌ها تفاوت فاحشی ندارد و متدی است که سال‌ها در دنیا حاکم شده و مشابه حراج‌های دیگر از آن استفاده می‌شود. این سیاست‌ها مضمّن صحت، سلامت و رفتار صادقانه‌تر در معرفی آثار هنری است که کمتر مورد مناقشه قرار می‌گیرد. **ک** حراج اسمال شش، هفت هنرمند بودند که سابق بر این حضوری در حراج‌ها نداشتند؛ از جمله هاتیب‌اللّٰخ، جواد حمیدی، احمد اسفندیاری، محمود جوادپور و کیخسرو خروش. معمولاً این حرکت با ریسک بالا همراه است که اشخاصی را در حراج شرکت دهیم که حضورشان مسبق به سابقه نبوده است. چه پشتوانه ذهنی و هدفی از مشارکت این افراد در حراج داشتید؟

درست است که ورود هر کسی که قبلاً در مارکت بین‌المللی یا داخلی حضور نداشته با ریسک بالایی همراه است؛ اما یکی از وظایف حراج تهران معرفی کسانی است که

	همه مایل هستند که در حراج حضور داشته باشند چون فکر می‌کنند از طریق حضور در حراج می‌توانند مارکت مطمئن‌تری را برای خودشان فراهم کنند. بدون شک عده‌ای از این افراد این شایستگی را دارند و کارهایشان از کیفیت خوبی برخوردار است ... عده‌ای هم در حراج‌ها دیده شده‌اند که ممکن است کارهایشان بهتر از همه کسانی که غایبند، نباشد	
--------------------------	---	--------------------------

سزاوار حضور در مارکت‌اند ولی در عرصه‌های بین‌الملل مورد غفلت واقع شده‌اند؛ نام‌هایی که در تاریخ ایران مهم هستند ولی در مارکت هنر کمتر شنیده می‌شوند و بسیاری از مجموعه‌داران شاخص حتی اسم این افراد را نشنیده‌اند. حراج تهران به این طریق قصد داشت این افراد را معرفی و آنها را به مجموعه‌داران توصیه کند تا حلقه‌های مفقوده‌ای که مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند، در آینده وارد مارکت شوند و کارهایشان به نحو شایسته‌ای مورد مبادله قرار گیرد. بعضی از اسمی‌ای که ذکر کردید، پیشگامان هنر مدرن ایران هستند و استاد اساتید هنر معاصر به‌شمار می‌روند و لازم است در کلکسیون‌های مهم که نگاه هنری دارند حتماً مورد توجه قرار گیرند.

ک در سال‌های گذشته به خاطر نقش مشاورتی شما در قبال حراج‌های خارج از ایران و به‌طور مشخص کریستیز، بعضی از اعضای جامعه هنری از شخص شما انتظار دارند که در این حراج‌ها حضور داشته باشند و گاه از نبودشان گله‌مند هستند. پاسخ شما به این افراد چیست؟

اولین پاسخ این است که حق عده‌ای که در مارکت نیستند ولی کارهای خوبی دارند را به رسمیت می‌شناسیم و به دلیل فقدان حضورشان در حراج با آنها همدردی و تلاش می‌کنیم شرایطی برای حضورشان در مارکت فراهم شود.

ک آیا شما نقاش یا مجسمه‌ساز مشخصی را که تا به حال در حراج حضور نداشته، به هر قیمتی وارد مارکت می‌کنید؟

خیر. همه مایل هستند که در حراج حضور داشته باشند چون فکر می‌کنند از طریق حضور در حراج می‌توانند مارکت مطمئن‌تری را برای خودشان فراهم کنند که یکی از مزایای آن دسترسی به قیمت‌های بالاتر است. بدون شک عده‌ای از این افراد این شایستگی را دارند و کارهایشان از کیفیت خوبی برخوردار است و می‌تواند در حراج‌های داخلی و بین‌المللی حضور داشته باشد. عده‌ای هم در حراج‌ها دیده شده‌اند که ممکن است کارهایشان بهتر از همه کسانی که غایبند، نباشد. با قید اینکه در عالم هنر معیار بهتر و بدتر بودن قطعی نیست، همیشه ممکن است بین من و شما و آن هنرمند اختلاف نظر باشد که کسانی که هستند یا کسانی که نیستند کدامشان شایسته‌ترند. در مجموع قبول دارم کسانی در مارکت نیستند که شایسته حضور در آن دارند. پذیرش این حق، وظیفه ماست و فقدان غیرمنصفانه آنها را باید بپذیریم. اما چه چکار باید کرد؟

در مورد کریستیز باید در نظر داشت که نه من تصمیم‌گیرنده هستم و نه برای آنها توزیع منصفانه امکانات برای همه هنرمندان یک هدف است. آنها به دنبال دایقه خریداران خودشان هستند هیچ هدف ملّی‌ای زانه در ایران و در نه حتی در کشور خودشان دنبال نمی‌کنند. آنها به دنبال یک بیزینس هستند و طبیعی است به طبع خریداران نگاه می‌کنند و آثاری را که برای خرید جذاب باشد گردآوری و به فروش می‌رسانند. هر اثری را که برای خریدار جذاب نباشد، ولو اینکه خودشان هم ببینند، در حراج وارد نمی‌کنند.

ادامه در صفحه ۸



پرویز براتی

یک هفته بعد از حراج ۵/۶میلیارد تومانی تهران، با علیرضا سمیع‌آذر به گفت‌وگو نشستیم؛ گفت‌وگویی صریح و چالشی درباره دومین حراج تهران با کسی که این‌روزها در سه عرصه آموزش، نگارش و اقتصاد هنر فعال است. می‌گوید وقت خود را به شکلی مساوی صرف هر سه حوزه کرده؛ با این حال کیست که به دشواری‌های فعالیت در عرصه پرخطر ه اقتصاد هنر واقف نباشد؟ سمیع‌آذر اما گویا پیمانی ناآشناشته با خود بسته که در

روشن نگاه داشتن چراغ اقتصاد هنر در ایران سهیم باشد؛ سهمی که به گواه بسیاری از هنرمندان و مجموعه‌داران بالااست و طی سال‌های گذشته به بالندگی و دیده شدن هنر ایران در عرصه بین‌المللی کمک شایان‌توجهی کرده است. این مدرس و کارشناس هنر، پس از تحصیل در رشته معماری در دانشگاه تهران، در سال ۱۳۷۵ دکتری خود را از

دانشگاه مرکزی انگلستان دریافت کرد. او از سال ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۴ ریاست موزه هنرهای معاصر تهران را بر عهده داشت؛ سال‌هایی که تحت عنوان «دوران طلایی موزه هنرهای معاصر» شناخته می‌شود. او صاحب کتاب‌های متعددی است از جمله دو کتاب ترجمه مفاهیم و رویکردها در آخرین جنبش‌های هنری قرن بیستم و «جهانی شدن و هنر جدید» (هر دو از نوشته‌های او وارد لوسی اسمیت) که توسط نشر نظر انتشار یافته است. همچنین تالیف دو کتاب «اوج و افول مدرنیسم» و «انقلاب مفهومی» از مجموعه «تاریخ هنر معاصر جهان» در کارنامه‌اش دیده می‌شود. علیرضا سمیع‌آذر در سال ۱۳۸۲ از سوی باشگاه ملی هنرهای آمریکا به‌خاطر تلاش و کسب دستاوردهای چشمگیر در عرصه هنر، موفق به دریافت نشان طلا شد. در سال ۱۳۸۶ نیز نشان شوالیه هنر و ادبیات دولت فرانسه را دریافت کرد. گفت‌وگویمان را با او در ادامه می‌خوانید.

ک بعد از حراج دوم تهران، عده‌ای معتقد بودند فروش‌ها در این حراج «صوری» بوده است. آیا چنین اتفاقی چه سودی برای بایان این اتفاق دارد و دیگر اینکه اصولاً چطور می‌شود یک حراج صوری باشد؟

ابتدا باید بدانیم که صوری بودن یک حراج چطور می‌تواند امکان داشته باشد. اول اینکه کل حراج را یک حرکت تبانی شده و بی‌اعتبار تلقی کنیم؛ به این معنی که اصلاً مزایده‌ای صورت نگرفته یا اینکه بگوئیم قیمت کارهایی که در حراج شرکت کرده‌اند به شکل صوری افزایش پیدا کرده‌اند.

ک در مورد این حراج، بحث بیشتر بر سر صوری بودن قیمت‌ها بود...

این حراج به‌طور کامل در معرض دید شمار بی‌سایه‌ای از بازدیدکنندگان قرار داشت و در این شرایط امکان هیچ گونه تبانی‌ای ممکن نبود. کل آثار به‌فروش رسیده و تمام این مبالغ دریافت شده‌اند.

ک اتفاقا یکی از نقدهای بعد از حراج این بود که چطور ممکن است صدرصد آثار یک حراج به‌فروش برسد، چطور این مساله را توجیه می‌کنید؟

به‌نظم طرح این سوال قابل انتظار است؛ چون بسیاری از حراج‌های دنیا به رقم‌های فروش بین ۹۵ تا ۹۸ درصد می‌رسد و فروش صدرصد آثار بسیار کم‌سابقه است. طبیعی است که این موضوع به ذهن عده‌ای متبادر شود اما واقعاً تمامی آثار به فروش رفتند و اگر یک منبع پژوهشگر که به‌دنبال شایبه‌سازی و بی‌اعتبار جلوه دادن هنر ایران نباشد پیشقدم شود، خاتریم اسمی تمامی خریداران را اعلام کنیم. هر چند خود خریداران ممکن است علاقه‌ای به افشای نامشان نداشته باشند.

ک شما حاضر به این کار هستید؟

بله، به‌صورت خصوصی حاضر به انجام این کار هستیم. حراج‌های دنیا اسامی خریداران انسان را افشا نمی‌کنند. اما ما حضرم واردی را که مشکوک است یا به طور کلی تمامی خریدها را اعلام کنیم، باید بگویم تمامی خریده‌ها قطعی صورت گرفته و شش‌میلیارد و ۲۵۰میلیون تومان قطعاً مواصل خواهد شد. اما به شکل جزئی امکان دارد خارج از اراده حراج‌گذار، افرادی روی اثر خاصی نوعی تبانی کرده باشند یعنی در مزایده شرکت کرده باشند و بخواهند قیمت یک اثر را بالا ببرند. این مسئله خارج از اراده و حتی آگاهی حراج‌گذار است و ممکن است در همه حراج‌های دنیا اتفاق بیفتد. وقتی قیمت یک اثر از یک حدی بالاتر رفت به یک کالا برای سرمایه‌گذاری تبدیل می‌شود. تمام رفتارهایی که از سوی افراد سودجو به‌منظور بالا یا پایین بردن قیمت برای هر کالایی صورت می‌گیرد، ممکن است در مورد اثر هنری هم انجام شود. ما به‌عنوان برپاکنده حراج البته اگر متوجه این قضیه شویم جلو این کار را نمی‌گیریم. حداقل کاری که انجام می‌دهیم این است که از شرکت این افراد در حراج‌های بعدی جلوگیری می‌کنیم. اما امکان دارد متوجه این قضیه هم نشویم چون افراد برای خرید اثر ثبت‌نام کرده و در مزایده شرکت می‌کنند و در آخر کار، نفر برنده مبلغ را پرداخت می‌کند اما نمی‌دانیم کسی که روی قیمت همپای بقیه در مزایده شرکت می‌کرد تبانی کرده‌بود یا نه و این قضیه را ممکن است هرگز متوجه نشویم. این اتفاق ممکن است نه‌فقط در حراج ما بلکه در حراج‌های دیگر هم اتفاق بیفتد. البته ما نهایتاً مکانیسم‌هایی برای تشخیص این قضیه داریم.

ک می‌توانید این مکانیزم‌ها را توضیح دهید؟

مثلاً اینکه می‌توانیم بررسی کنیم کسانی که در مزایده شرکت می‌کنند و برنده نمی‌شوند آیا در مورد خاصی شرکت کرده‌اند یا در آثار دیگر هم شرکت داشته‌اند. اگر کسی به‌طور معمول در خرید چند اثر شرکت کرده و در چند مورد برنده نشده روال طبیعی کار است؛ ولی اگر احساس کنیم کسی فقط در بالابردن قیمت‌ها نقش داشته با آگاهی‌ای که از تاریخچه آن اثر، آن هنرمند و مجموعه‌دارانش داریم، می‌توانیم حس‌هایی بزیم؛ اگرچه نمی‌توانیم چیزی را ثابت کنیم، می‌توانیم به‌فرضیه‌هایی نزدیک شویم. ما اجازه نمی‌دهیم اعتبار یک حراج و به طبع آن کل اعتبار هنر ایران را مخاطر